

## مبانی و اصول اخلاقی سپاهیان اسلام در عرصه جهاد بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت دکتر محمد قاسمی شوب\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶

### چکیده

دین مبین اسلام نسبت به رعایت اخلاق، در تمامی ابعاد زندگی انسان، تأکید بسیاری دارد؛ یکی از ابعاد مهم زندگی بشر بحث جنگ و قتال است که جنبه خشونت آن کاملاً واضح و آشکار است؛ لذا با توجه با تأکیدات دین مبین اسلام در موضوع رعایت همه‌جانبه اخلاق، این پژوهش درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی آیات شریفه قرآن و سنت معصومان(ع)، مبانی و اصول اخلاقی سپاهیان اسلام در عرصه جهاد را مورد تبیین و تحلیل قرار دهد. در این راستا ضمن تبیین مهم‌ترین پیش‌انگاره‌های رعایت اخلاق در جهاد، در قالب مبانی «انسان‌شناسانه»، «اخلاق‌مدارانه» و «رفتار‌مدارانه»، مهم‌ترین دستورالعمل‌های اخلاقی مجاهدان، در عرصه جهاد در چارچوب «اصول اخلاقی فرماندهان»، «اصول اخلاق فردی و جمعی رزمندگان» و «اصول اخلاقی در مواجهه با دشمن»، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دین اسلام در عرصه جهاد بر رعایت کامل اصول اخلاقی تأکید فراوان دارد و با لحاظ کردن قواعد اخلاقی علاوه بر کاستن از جنبه خشونت جنگ، آن را به امری مقدس تبدیل کرده است.

**واژه‌های کلیدی:** سپاهیان اسلام، اصول اخلاقی، تربیت، جهاد، آموزه‌های قرآن، سنت.



## مقدمه

اخلاق به معنای شکوفا شدن همه ابعاد مثبت انسانی، در مسیری که آدمی را به هدف اعلای خویش در پیش گرفته است، توسط اسلام مورد تأکید قرار گرفته و بر رعایت آن، در تمامی ابعاد زندگی توصیه شده است. اخلاق در اسلام، دارای حوزه‌های دامن‌داری مانند اخلاق فردی و اجتماعی است و گستره آن حتی عرصه جهاد را نیز در برمی‌گیرد؛ زیرا تأدب به آداب اخلاقی تخصیص ناپذیر است. از دیگر سو جهاد فی سبیل الله نیز یکی دیگر از آموزه‌های مهم اسلام است که دارای ابعاد و حوزه‌های مختلفی است. جهاد در معنای عام خود به معنای هرگونه تلاش در راه سرافرازی اسلام و برپایی شعائر دین و اعتلای کلمه‌الله، همراه با بذل جان و مال و آبرو است؛ لذا جهاد در این معنا دارای ابعاد مختلفی؛ همچون جهاد علمی، جهاد اقتصادی و جهاد با نفس و در معنای خاص آن که مدنظر ماست، به معنای مقابله نظامی، قتال و جنگ است. بر اساس مطالب فوق، می‌توان گفت که «اخلاق در جهاد» نیز به معنای شکوفا شدن رفتارهای پسندیده انسانی در عرصه جهاد است که البته با بینش و نیتی الهی انجام می‌پذیرد. به عبارت دیگر، اخلاق در جهاد، همان نمو اخلاق در عرصه جهاد است.

چه بسا تصور شود که در عرصه جهاد فی سبیل الله، به دلیل اهمیت و قداست هدف، به کار گرفتن تمامی وسایل و ابزارها برای نیل به پیروزی و نیز رعایت نکردن اصول اخلاقی در برابر غیرمسلمانان و آنانی که از مسیر حق خارج شده‌اند، به‌منظور پیروزی حق بر باطل، رواست اما با بررسی آیات قرآن و سنت معصومان (ع) درمی‌یابیم که آموزه‌های اسلامی، نسبت به رعایت اخلاق، حتی در عرصه جهاد که میدان مبارزه با شرک و نفاق و عرصه مقابله با گروه‌ها و جریان‌های انحرافی است، مجاهدان را به پیروی از اصول اخلاقی امر نموده و تجاوز از حدود اخلاقی را جایز ندانسته است.

اما با بررسی آیات قرآن و سنت معصومان (ع) در می‌یابیم که در اسلام نسبت به رعایت اخلاق، حتی در قتال به معنای جهاد، توصیه‌های فراوانی صورت گرفته است و با توجه به فراگیر بودن آموزه‌های اخلاقی اسلام در ابعاد مختلف حیات بشر، بخشی از این آموزه‌ها و قواعد، در قالب «اصول اخلاقی سپاهیان اسلام در عرصه جهاد» قابل تحصیل است که این اصول و دستورالعمل‌ها، بر مبانی خاصی استوار است. خداوند متعال در آیه شریفه «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْتُلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا...» (سوره بقره، آیه ۱۹۰)، ضمن امر نمودن مسلمانان بر جهاد و تأکید بر «فی سبیل الله» بودن آن، مسلمانان را از هرگونه تجاوز از حدود، نهی نموده و ایشان را به پیروی از اصول اخلاقی امر فرموده است. در آیات شریفه قرآن و به‌ویژه در آموزه‌های معصومان (ع) در قالب سنت، بر رعایت اخلاق توسط سپاهیان اسلام، در عرصه جهاد تأکید شده و گنجینه ارزشمندی در باب اصول و قواعد اخلاقی و انسانی در این حوزه قابل دستیابی است که ضرورت دارد تا این بایدها و نبایدهای اخلاقی، به‌عنوان یک دستورالعمل، سرلوحه عمل مجاهدان قرار گیرد.



از این رو نگارنده در این نوشتار درصدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بررسی آیات شریفه قرآن و سنت معصومان(ع)، اصول و مبانی اخلاقی سپاهیان اسلام را مورد تبیین قرار دهد.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از مواردی که نقش اخلاق در آن می‌تواند پررنگ باشد، بحث جنگ و جهاد است؛ زیرا ماهیت جنگ و جهاد ماهیتی خشونت‌آمیز است. از طرفی بی‌توجهی به مبانی و اصول و توصیه‌های اخلاقی دین مبین اسلام در امر جهاد، توسط گروه‌ها و فرقه‌های انحرافی، منجر به انجام اعمال غیراخلاقی و غیرانسانی گردیده است. بر این اساس در این راستا بررسی آیات قرآن و روایات اسلامی می‌تواند در شناسایی بهتر اصول و مبانی اسلامی در جهاد ضروری به نظر می‌رسد.

### اهداف تحقیق

این تحقیق به‌طور کلی درصدد است که گوشه‌ای از مبانی و اصول اخلاقی در جهاد اسلامی را مورد تبیین و تحلیل قرار دهد تا در نهایت بتواند در کنار معرفی این مبانی و اصول، چهره اخلاق در جهاد را بیان کند.

### سؤالات تحقیق

- ۱- آیا جهاد به‌عنوان یک امر مقدس در دین اسلام از اصول و مبانی خاصی استفاده می‌کند؟
- ۲- علل به‌کارگیری اصول و مبانی اخلاقی در جهاد اسلامی چیست؟

### مفاهیم اساسی پژوهش

در مطلع نخست، ابتدا به مفهوم شناسی واژه‌هایی که نقش کلیدی در تبیین موضوع این پژوهش دارند، پرداخته می‌شود.

۱- **مبانی:** کلمه «مبانی» در لغت، جمع مینا، از ریشه «ب.ن.ی» به معنای پایه و اساس هر چیزی است که بر رویش چیزی می‌گذارند (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۴۷). بستانی در فرهنگ ابجدی، در توضیح واژه مبانی، ریشه «ب.ن.ی» را به معنای لغوی ساختمان، کاخ، اساس، تعبیر و روش دانسته است (بستانی، ۱۳۷۵: ۷۶). در اصطلاح «مبانی» همان مطالب اساسی هستند که به‌صورت پیش‌فرض، معمولاً در جای دیگر اثبات می‌شوند و در علم کاربرد دارند (رضایی و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۸-۱۱). مبانی به معنای مطالب اساسی و پایه‌ای است که اعتقاد بدان، منجر به پذیرش اصول و دستورالعمل‌ها می‌گردد. بیان واضح‌تر اینکه مبانی، «هست‌هایی»‌اند که منجر به اصول یا «بایدها و نبایدها» می‌گردند. مقصود از «مبانی» در این پژوهش، مباحث اساسی و بنیادی است که زیربنای اصول اخلاقی مجاهدان، در پاسداری از دژهای سپاه اسلام است.



**۲- اصول:** واژه «اصول» جمع مکسر «اصل» و به معنای ریشه و پایه هر چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۷۸). برخی از معاجم در باب معنای لغوی اصل، آن را قسمت پایین هر چیز و به عبارتی ریشه آن دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۱۶). اصل به معنی پایه و بن هر چیز است و در مقابل آن فرع قرار می‌گیرد (بستانی، ۱۳۸۵: ۸۵). اصول به معنای اصطلاحی قواعدی است که می‌توان آن‌ها را نوعی دستورالعمل کلی دانست. مبانی از «هست‌ها» سخن می‌گویند و اصول از «بایدها» و به عبارت دیگر با مبانی، از «چگونه چیزی هست» مطلع می‌شویم و با اصول، از اینکه «چه چیزی باید مدنظر داشته باشیم» آگاه می‌شویم. لذا اصول اخلاقی مجاهدان، در جهاد فی سبیل الله، بایدها و نبایدها و دستورالعمل‌های کلی است که با توجه به مبانی استخراج می‌گردد (باقری، ۱۳۷۹: ۸۴).

**۳- اخلاق:** «اخلاق» جمع «خُلُق» و در لغت به معنای عادت و سنجیه، چه خوب و چه زشت است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۸۵). در معنای لغوی، به معنای خوی و سرشت است و حقیقت آن همان صورت باطنی انسان است و این صورت باطنی نفس آدمی است. اوصاف و معانی مختص به نفس آدمی به‌منزله خُلُق است. خُلُق صورت ظاهری و اوصاف و معانی آن است که آن را اوصاف نیکو می‌نامند. ثواب و عقاب نسبت به آنچه به اوصاف صورت باطنی تعلق دارد، بیشتر است از آنچه به صورت ظاهری تعلق دارد. به این ترتیب احادیث بسیاری در مدح حُسن خُلُق نقل شده است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۸۶). خُلُق در اصطلاح ملکاتی است که در نفس انسان حاصل شده و در روش و رفتار خود تأثیر می‌گذارد (فایضی و آشتیانی، ۱۳۷۵: ۱). در نظر علامه جعفری، اخلاق عبارت است از شکوفا شدن همه ابعاد مثبت انسانی، در مسیری که رو به هدف اعلائی زندگی پیش‌گرفته است (جعفری، ۱۳۶۰: ۴۲). از نظر علامه مجلسی اخلاق ملکه‌ای نفسانی است که کار به آسانی از آن صادر می‌شود. برخی از این ملکات فطری و ذاتی‌اند و پاره‌ای از آن‌ها نیز با تفکر، تلاش، تمرین و عادت دادن نفس به آن‌ها به دست می‌آیند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۷۲).

**۴- جهاد:** کلمه «جهاد» اسم مصدر، از ریشه «ج.ه.د» است. جهاد در لغت، با فتحه حرف (ج) یعنی مشقّت و سختی و با ضمّه حرف (ج) یعنی کوشش گسترده و وسیع به‌اندازه طاقت (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۲۰۸) و در این معنی درباره انسان، خدای تعالی چنین می‌فرماید: «...وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ...» (سوره توبه، آیه ۷۹). کلمه «جهاد»، حدوداً ۱۰۸ بار در قرآن آمده است و برای آن در اصطلاح، دو معنای عام و خاص ذکر کرده‌اند؛ جهاد در معنای عام خود عبارت است از: «بَذْلُ النَّفْسِ وَ الْمَالِ وَالْوُسْعِ فِي اعْلَاءِ كَلِمَةِ الْإِسْلَامِ وَ اِقَامَةِ شَعَائِرِ الْإِيمَانِ» (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۱)؛ یعنی تقدیم کردن جان و مال در راه سرافرازی اسلام و برپایی شعائر دینی. قابل تأمل آنکه دامنه جهاد در این تعریف، آن قدر وسیع است که جنگ در راه خدا، جهاد با نفس، امریه معروف و نهی از منکر و مانند آن را شامل می‌شود. جهاد به معنای خاص عبارت است از: «بَذْلُ النَّفْسِ وَ مَا يَتَوَقَّفُ عَلَيْهِ مِنَ الْمَالِ مُحَارِبَةَ الْمُشْرِكِ



او الباغین علی وجه المخصوص» (نجفی، ۱۳۶۲: ۲۱)؛ یعنی انسان در جنگ با مشرکین و اهل بغی، جان و مال خود را به گونه‌ای مخصوص تقدیم کند. در این پژوهش نیز معنای جهاد، از همین نوع؛ یعنی مبارزه و مقابله نظامی رزمندگان و قتال است و مجاهد نیز به انسان مسلمانی که با نیت اعتلای کلمه‌الله، در این میدان گام نهاد، اطلاق می‌گردد.

۵- سنت: سنت در لغت به معنای راه، روش، طریقه و عادت (معین، ۱۳۸۶: ۸۸۱) و در اصطلاح عبارت است از: قول، فعل و تقریر معصومان (ع) و نیز صفاتی که بر ایشان قابل اطلاق است و در معنای اصطلاحی، مترادف با حدیث است (معارف، ۱۳۹۱: ۳۴؛ عجاج خطیب، ۱۴۰۱: ۱۶؛ مرعی، ۱۴۱۷: ۲۱ و غفاری، ۱۳۸۴: ۱۵) به نظر می‌رسد گرچه کلمه سنت بر قول معصوم (ع) نیز اطلاق می‌گردد، اما کاربرد آن در خصوص فعل و تقریر معصوم (ع) از شمول بیشتری برخوردار است. (معارف، ۱۳۹۱: ۳۴ و عجاج خطیب، ۱۴۰۱: ۱۹)

### پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که در مورد بحث اخلاق جنگ و جهاد وجود دارد علی‌رغم اینکه مسئله اخلاق در جهاد را مورد تبیین و بررسی قرار داده‌اند؛ اما به مبانی و اصول اخلاقی حاکم بر جهاد پرداخته‌اند که در زیر به برخی از آن‌ها که به صورت کتاب، پایان‌نامه و مقاله است اشاره می‌گردد.

عابدی نژاد (۱۳۹۵) در کتابی با عنوان «اخلاق جنگ و صلح و مقایسه آن با جهاد اسلامی» به موضوع اخلاق کاربردی در مسئله جنگ و صلح پرداخته است. او سه نظریه رایج در مورد جنگ و صلح یعنی؛ صلح‌گرایی، جنگ عادلانه و واقع‌گرایی سیاسی را مورد بررسی قرار داده است. هدف نویسنده این بوده است که با استفاده از آیات و روایات چهره خشونت‌آمیزی که از اسلام و جهاد معرفی شده است را بزدايد. او معتقد است که نظریه جنگ عادلانه در اصول خود با نظریه جهاد اسلامی، پیوندهای مشترکی دارد. همچنین با بررسی تئوری‌های جنگ و صلح و مقایسه جنگ عادلانه با جهاد در اسلام، سعی نموده که گامی مؤثر در دفاع از اصول اساسی اسلام بردارد.

واحد جوان (۱۳۸۸) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تبیین آموزه‌های اخلاقی اسلام پیرامون جنگ و صلح» ضمن واکاوی عوامل تخریب چهره واقعی اسلام توسط گروه‌های تکفیری در مسئله جهاد سعی کرده است با پرداختن به مسئله آموزه‌های اخلاقی در جهاد در چهار محور: الف) روابط اخلاقی مسلمانان با خود و خدای خود در جنگ؛ ب) روابط اخلاقی مسلمانان با یکدیگر در جنگ؛ ج) روابط اخلاقی مسلمانان با دشمن در جنگ؛ د) روابط اخلاقی مسلمانان در رابطه با محیط‌زیست در جنگ، چهره اخلاقی دین اسلام را با استفاده از منابع اصیل دینی تبیین نماید.

پهلوان و احمدی آشتیانی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «اخلاق در جهاد از دیدگاه امام علی (ع)» با معرفی مصادیق اخلاقی امام علی (ع) در جهاد سعی دارند تنافر تعالیم اسلام با چهره ضد اخلاقی‌ای



که رفتار بعضی از گروه‌های تکفیری از اسلام داشته‌اند را برطرف کنند؛ در این راستا مصادیقی مانند مقدم شمردن صلح بر جنگ، پرهیز از آغاز کردن جنگ در میدان نبرد، رعایت اصول اخلاقی و پرهیز از پیمان شکنی، ممنوعیت جنگ با غیر جنگجویان و عدم تعرض به اموال ایشان و غیره برشمرده‌اند. این مقاله علی‌رغم اینکه تنها به معرفی مصادیق اخلاقی امام علی(ع) پرداخته است در برخی از موارد نیز مصادیق اخلاقی را با اصول اخلاقی یکسان دانسته است، درحالی‌که نوشتار حاضر در ابتدا اصول کلی اخلاقی امام علی(ع) را مورد بررسی قرار داده، سپس رفتارهای اخلاقی برگرفته از آن اصول را ذکر کرده است.

برخی نیز مسئله اصول اخلاقی را به‌طور کلی یا در یک مسئله خاص در نهج‌البلاغه یا از دیدگاه امام علی(ع) مورد بررسی قرار داده‌اند؛ مانند اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج‌البلاغه. فرمهبینی فراهانی و اشرافی (۱۳۹۳) اصول اخلاق حرفه‌ای که یکی از شاخه‌های جدید علم اخلاق است را در نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار داده‌اند و اصولی مانند اصل احترام و تکریم، اصل آزادی، اصل انصاف، اصل وفای به عهد، اصل صداقت، اصل قانون‌مداری و غیره را استخراج و تبیین کرده‌اند.

مولوی (۱۳۹۵) در مقاله «اصول و مبانی اخلاقی سیاست در دیدگاه امام علی(ع)» به بررسی ارتباط اخلاق و سیاست از دیدگاه امام علی(ع) پرداخته است و معتقد است در دیدگاه امام (ع)، سیاست مبتنی بر اخلاق دارای اصولی مانند رعایت عدالت و انصاف بین مردم، پرهیز از دنیا دوستی و دنیا پرستی، رعایت رفق و مدارا رفتار با مردم و غیره است.

### مبانی نظری تحقیق

مبانی کلی این پژوهش که بر اساس اعتقاد بدان، پژوهش پیش رو صورت پذیرفته و بر آن استوار است، در مورد قرآن کریم شامل جامع بودن مفاهیم و محتوای قرآن کریم و بحث جاودانگی آموزه‌های آن است؛ یعنی با استفاده از آیاتی که پیرامون جنگ و جهاد است مبانی و اصول اخلاقی در جهاد استخراج و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در مورد سنت و سیره معصومان نیز حجت قولی، فعلی و تقریری این بزرگواران و شمول آموزه‌های معصومان(ع) نسبت به تمامی شئون زندگی است. به این صورت که با استفاده از سیره قولی و عملی این بزرگواران به‌ویژه پیامبر(ص) و امام علی(ع) در صحنه جهاد و نبرد مبانی و اصول اخلاقی این بزرگواران به‌عنوان اصول و مبانی اخلاقی دین اسلام استخراج و مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت اینکه با این دو مبنای نظری بحث اصول و مبانی جهاد به‌عنوان یک امر مقدس مورد تبیین و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۱- **مبانی اخلاقی جهاد:** رعایت اخلاق توسط مجاهدان، در عرصه پاسداری از دژهای سپاه اسلام، بر مبانی‌ای استوار است. بررسی این مبانی، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا نشان‌دهنده توجه دین به موضوع اخلاق در این حوزه بوده و به‌عنوان پایه و اساس اصول و دستورالعمل‌های اخلاقی



سپاهیان اسلام در عرصه جهاد است؛ به عبارت دیگر این مبانی، زیربنای اصول اخلاقی مجاهدان در این حوزه می‌باشند که در قالب مبانی «انسان شناسانه»، «اخلاق مدارانه» و «رفتار مدارانه» قابل تقسیم، بررسی و تبیین است.

۱-۱- **مبانی انسان شناسانه:** مبانی انسان شناسانه یا همان نوع نگاه دین اسلام نسبت به انسان، نشان‌دهنده وسعت دید بینش اسلامی، در رابطه با نوع انسان است. «نوع نگرش دین نسبت به دشمن» و «نگرش برادرانه به هم‌رزم»، مبانی انسانی رعایت اخلاق توسط سپاهیان اسلام، در عرصه جهاد فی سبیل الله است.

۱-۲- **نوع نگرش اسلام به دشمن:** از دیدگاه دین مبین اسلام، دشمنان انسان‌هایی فرو رفته در گمراهی، فریب‌خورده و جاهل می‌باشند؛ امام علی(ع) خطاب به معاویه در نامه ۳۲ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَ أَرَدَيْتَ جَيْلًا مِنَ النَّاسِ كَثِيرًا خَدَعْتَهُمْ بِغَيْبِكَ وَ أَلْفَيْتَهُمْ فِي مَوْجِ بَحْرِكَ تَغْشَاهُمُ الظُّلُمَاتُ وَ تَتَلَاظِمُ بِهِمُ الشُّبُهَاتُ...» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۲)؛ گروهی بسیار از مردم را به هلاکت کشاندی و با گمراهی خود فریبشان دادی و در موج سرکش دریای جهالت خود غرقشان کردی، که تاریکی‌ها آنان را فرا گرفت و در امواج انواع شبهات غوطه‌ور گردیدند... همچنین ایشان در خطبه ۲۴ می‌فرماید: «وَ لَعْمَرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مَنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَ خَابَطَ الْغَيَّ مِنْ إِذْهَانٍ وَ لَا إِيْهَانٍ فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ فِرُّوا إِلَى اللَّهِ مِنَ اللَّهِ وَ امْضُوا فِي الَّذِي نَهَجَهُ لَكُمْ وَ قَوْمُوا بِمَا عَصَبَهُ بِكُمْ فَعَلِيٌّ ضَامِنٌ لِفَلْجِكُمْ أَجْلًا إِنْ لَمْ تُمْنَحُوهُ عَاجِلًا» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۴). سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند، یک لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم. پس ای بندگان خدا! از خدا بترسید و از خدا، به‌سوی خدا فرار کنید و از راهی که برای شما گشوده بروید و وظایف و مقرراتی که برای شما تعیین کرده به پا دارید اگر چنین باشید، علی ضامن پیروزی شما در آینده می‌باشد، گرچه هم‌اکنون به دست نیایید. در فرمایشات فوق‌الذکر از حضرت امیر(ع)، نکات ارزشمند و حائز اهمیت می‌باشد؛ از جمله آنکه دشمنان را انسان‌هایی گمراه، فریب‌خورده، جاهل و گرفتار در امواج شبهات می‌داند. ایشان نیروهای دشمن را انسان‌هایی فرورفته در این ردایل می‌داند، اما هنوز آن‌ها در حیث انسان بودن، قرار دارند. پس باید در مقابله با نیروهای دشمن - که گمراه و جاهل می‌باشند - نیز به اصول اخلاقی در جهاد پایبند بود. در خطبه فوق، امیرالمؤمنین علی(ع) ضمن دستور به جهاد با نیروهای گمراه دشمن، امر به رعایت تقوای الهی و اخلاق می‌فرماید «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ».



۳-۱- نگرش برادرانه به هم‌مرزم: مبنایی دیگر از پیش‌انگاره‌های انسان‌شناسانه رعایت اخلاق در عرصه جهاد، «نوع نگرش اسلام به هم‌مرزم» است؛ در نگرش اسلامی، هم‌مرزم به‌عنوان برادر معرفی می‌گردد و اسلام به مهرورزی و کمک به هم‌مرزمان امر می‌کند. در خصوص نوع نگرش به هم‌مرزمان و اخلاق در جهاد، امام علی(ع) می‌فرماید: «إِذَا لَقَيْتُمْ عَدُوَّكُمْ فِي الْحَرْبِ... إِذَا رَأَيْتُمْ مِنْ إِخْوَانِكُمُ الْمَجْرُوحَ، وَ مَنْ قَدْ نُكِّلَ بِهِ، أَوْ مَنْ قَدْ طَمَعَ عَدُوَّكُمْ فِيهِ، فَقُوهُ بِأَنْفُسِكُمْ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۴۴۵)؛ هنگامی که با دشمنان روبه‌رو شدید... هنگامی که یکی از برادرانتان را مشاهده کردید که مجروح شده و دچار ضعف و ناتوانی شده، یا کسی که دشمنان به نابودی وی طمع بسته است، او را در یابید (و از دست دشمن نجات دهید). امام علی(ع) در این کلام، مجاهدان اسلامی را بر اساس مبنای نوع نگرش اسلام به هم‌مرزم، به رعایت یک اصل اخلاقی امر فرموده‌اند. مبنای فوق‌الذکر که در روایت عیناً ذکر گردیده، نگرش دین به اخوت و برادری هم‌مرزمان نسبت به یکدیگر است؛ یعنی به دلیل اینکه مجاهدان اسلامی با یکدیگر برادر هستند، حضرت(ع) ایشان را به رعایت اصل اخلاقی کمک به یکدیگر توصیه می‌فرماید. لذا مؤمنان باید در روابط خود با یکدیگر در موقعیت‌های مختلف، از جمله در عرصه جهاد به معنای قتال، اخوت، اخلاق و مهرورزی نسبت به یکدیگر را اصلی مهم بدانند که مورد تأکید خداوند متعال و پیشوایان معصوم(ع) است.

۲- مبنای اخلاق مدارانه: مبنای اخلاقی یا همان نوع نگرش دین اسلام نسبت به اخلاق، از مهم‌ترین مبنای‌ای است که مجاهدان اسلامی را به اخلاق ملزم می‌کند. «فطری بودن گرایش به اخلاق در انسان» و «هدف بودن اخلاق نسبت به بعثت انبیاء(ع)» مهم‌ترین مبنای اخلاقی است که اساس و پایه اصول اخلاقی سپاهیان اسلام در عرصه جهاد است.

۱-۲- فطری بودن گرایش به اخلاق در انسان: فطری بودن گرایش به اخلاق در انسان، یکی از مبنای اخلاقی است که اخلاق در جهاد اسلامی، بر پایه آن استوار است؛ یعنی انسان (به ما هو انسان) فارغ از هرگونه دین و آیین، به رعایت اخلاق در جنبه‌های مختلف زندگی گرایش فطری دارد. فطرت، خلقت خاص انسان است<sup>۱</sup> که بر اساس آن نسبت به خدای خود دارای آگاهی است و گرایش به او دارد. همین فطرت است که او را به خدا و صفاتی که از خدا ناشی می‌شود راهنمایی می‌کند. افعال پسندیده و اخلاقی انسان‌ها، ناشی از همین خصوصیت آدمی است. طبق فطرت، خداوند به‌عنوان کسی که پرورش انسان را عهده‌دار است، از صفات تمامیت و کمال خود به او ارزانی داشته است. بر این اساس، اخلاق ریشه در ویژگی‌های فطری انسان دارد و به کمک آن انسان می‌تواند فضیلت‌ها را تشخیص دهد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۶۰).

۱- «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (سوره روم، آیه ۳۰)؛ همان طریقه فطری خدا، که مردم را بر پایه آن آفریده و سرشته.





سرور و سالار شهیدان، امام حسین(ع) در عاشورا خطاب به سپاهیان دشمن می‌فرماید: «يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِن لَّمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ وَ ارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْرَاباً فَنَادَاهُ شِمْرٌ فَقَالَ مَا تَقُولُ يَا ابْنَ فاطِمَةَ قَالَ أَقُولُ أَنَا الَّذِي أَقَاتِلُكُمْ وَ تَقَاتِلُونِي وَ النِّسَاءَ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ فَاْمَنْعُوا عُنَاتِكُمْ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵۱/۴۵).

وای بر شما ای پیروان آل ابی سفیان، اگر دینی ندارید و از معاد و روز قیامت نمی‌ترسید، پس لااقل در دنیا آزاده و جوانمرد باشید. اگر به گمان خود عرب هستید، به حسب و نسب خود بازگردید. شمر فریاد زد: ای پسر فاطمه چه می‌گویی؟ امام حسین(ع) فرمود: می‌گویم من با شما می‌جنگم و شما با من می‌جنگید، زن‌ها تقصیری ندارند، متجاوزان و نادانان و گمراهان خود را از رفتن به سوی خیمه‌ها بازدارید و تا زنده‌ام متعرض حرم من نشوید. در این کلام، حضرت(ع) اشاره ظریفی به فطری بودن رعایت اخلاق در جهاد فرموده‌اند. ایشان می‌فرمایند که اگر دین و آیین ندارید، لااقل بر اساس فطرت خود که شما را به جوانمردی و اخلاق فرا می‌خواند، عمل نمایید و اعمال خلاف اخلاق در جنگ را انجام ندهید. از این فرمایش چنین بر می‌آید که هجوم به زنان و خردسالان و عدم رعایت اخلاق در جهاد، حتی از نگاه فطری انسان‌ها نیز زشت و محکوم است و فطرت انسان‌ها، فطرتی اخلاقی است. لذا انسان فطرتاً دنبال فضیلت‌های اخلاقی، خوبی‌ها و زیبایی‌ها است و گرایش انسان به اخلاق، فطری و ذاتی است و التزام به رعایت اخلاق در بخش‌های مختلف، از جمله در عرصه جهاد نیز امری فطری است.

۲-۲- هدف بودن اخلاق نسبت به بعثت انبیاء(ع): خداوند متعال در قرآن کریم درباره هدف بعثت پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (سوره جمعه، آیه ۲). اوست که در میان امیان (مردم مکه که غالباً بی‌سواد بودند) فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آن‌ها تلاوت می‌کند و آن‌ها را (از پلیدی‌های عقیدتی و اخلاقی و عملی) پاکیزه می‌کند و به آن‌ها کتاب (آسمانی) و معارف دینی و عقلی می‌آموزد و حقیقت این است که آن‌ها پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. در این آیه، کلمه «تزکیه» که مصدر «یزکیهم» است، مصدر باب تفعیل است و مصدر ثلاثی مجرد آن «زکات» و به بیان علامه طباطبائی، به معنای نمو صالح است؛ نموی که ملازم خیر و برکت باشد و تزکیه پیامبر(ص) در خصوص مردم، به معنای آن است که مردم را به نموی صالح رشد دهد، اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کند؛ در نتیجه در انسانیت خود به کمال برسند و حالشان در دنیا و آخرت استقامت یابد. سعید زندگی کنند و سعید بمیرند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۶۵/۱۹). بر اساس این آیه شریفه، تزکیه، به‌منظور جاری ساختن اخلاق در ابعاد مختلف حیات انسان‌ها از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران(ع) است. مطالعه در کارنامه اخلاقی تعالیم انبیاء الهی(ع) تا سالار و مهتر این قافله پیامبر اسلام(ص)، گویای روشن نقش اخلاق در ادیان توحیدی و آسمانی است. به‌ویژه توفیق آیین



پیامبر(ص) در برپایی جامعه‌ای فرهیخته و اخلاقی در یخبندان استخوان سوز جاهلیت و شرک، درخور تأمل و اندیشه است.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۴۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۶۴). خداوند تبارک و تعالی پیغمبران خود را به مکارم اخلاق، ممتاز گردانید. مکارم اخلاقی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در اسلام مطرح شده است. مکارم اخلاق، محبوب خدای متعال است: قال رسول الله(ص): «...والله يحب مكارم الاخلاق...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹۱/۶۸)؛ و آنچه محبوب خدا باشد، مسلماً محبوب و مطلوب محبان خدا نیز می‌شود. پس کسانی که خدا را دوست دارند، اخلاق را همه‌جا، حتی در عرصه جهاد و قتال، مراعات می‌نمایند.

**۳- مبانی رفتار مدارانه:** مجاهدان باید در مقام عمل و رفتار، در شئون مختلف زندگی، از جمله در عرصه جهاد اسلامی، نسبت به مبانی رفتاری، پایبندی داشته باشند. از دیدگاه اسلام در عمل و رفتار، هیچ‌گاه مقدس بودن هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند و مسلمانان به بهانه مقدس بودن هدف خود، نمی‌توانند از هر وسیله یا روش غیراخلاقی و غیرانسانی استفاده بکنند. همچنین مسلمانان باید در رفتارهایشان، نسبت به سیره معصومان(ع) پایبندی عملی داشته باشند. سیره معصومان(ع) در تمامی عرصه‌های زندگی و رعایت اخلاق در این میدان، فراگیر است و پیروان راستین در رفتارهای خویش باید نسبت بدان پایبندی عملی داشته باشند.

**۳-۱- توجیه‌ناپذیری وسیله توسط اهداف مقدس:** اعتقاد به توجیه‌ناپذیری وسیله توسط اهداف مقدس، از مهم‌ترین مبانی رفتاری است که مجاهدان را به رعایت اخلاق در میدان جهاد، ملتزم می‌کند. در آموزه‌های دین مبین اسلام، هدف هرگز وسیله را توجیه نمی‌کند و باید برای رسیدن به اهداف مقدس، از ابزار و روش‌های مباح، مشروع و مجاز استفاده کرد و طاعت، قرب و رضای الهی را هرگز نمی‌توان با معصیت و گناه تحصیل نمود. هدف مجاهد، اعتلای کلمه‌الله و برپایی شعائر دین است و این هدف بسیار مقدس و ارزشمند است، اما به‌منظور نیل به این هدف، نمی‌توان از هر وسیله و روش غیراخلاقی استفاده نمود؛ لذا در عرصه جهاد اسلامی، باید تمامی اصولی که موردنظر شارع مقدس است، از جمله اصول و دستورالعمل‌های اخلاقی مرتبط با جهاد، رعایت شود.

امیر مؤمنان علی(ع) در فرمایشات خود، به‌طور مکرر بر توجیه‌ناپذیری وسیله توسط اهداف مقدس تأکید می‌نمایند. ایشان می‌فرمایند: «أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجَوْرِ فَيَمَنُ وَوَلِيَّتُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ لَا أَطُورُ بِهِ مَا سَمَرَ سَمِيرٌ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶)؛ آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره امت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم، استفاده کنم؟. در کلام فوق، امام علی(ع) به این نکته اشاره می‌فرماید که معاویه از وسیله‌ها و روش‌های نامشروع و غیراخلاقی استفاده می‌کند، اما امام(ع)



در توصیف عملکرد و رفتار خویش، بیان می‌دارند که باوجود آنکه ایشان از باهوش‌ترین مردمان هستند، به‌منظور نیل به اهداف خود، از روش‌های غیراخلاقی و نامشروع استفاده نمی‌کنند.

۲-۳- فراگیر بودن التزام عملی به سیره معصومان(ع): فراگیر بودن التزام عملی به سیره معصومان(ع)، یکی دیگر از مبانی رفتاری است که مجاهدان را به پایبندی عملی و رفتاری به اصول اخلاقی در عرصه جهاد، ملزم می‌نماید. سیره به معنای اصطلاحی نوع و سبک خاص رفتار است. خداوند متعال در قرآن کریم، سیره زندگانی رسول خاتم(ص) را به‌عنوان الگوی حسنه معرفی می‌کند و مسلمانان را به پیروی از سیره ایشان امر می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (سوره احزاب، آیه ۲۱)؛ قطعاً برای شما در رفتار رسول خدا مایه اقتدا و سرمشق زندگی است برای کسی که به خدا و روز واپسین امید (قلبی و عملی) دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند. بر اساس دستور خداوند سبحان، مسلمانان باید در تمامی ابعاد تعاملات خود با یکدیگر و با دشمنان، در رفتارهای خویش التزام عملی نسبت به پیروی از سیره رسول(ص) داشته باشند. «...ما آتاكمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...» (سوره حشر، آیه ۷). شما آنچه رسول حق دستور دهد، بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید.

همچنین آیات شریفه کلام وحی، پیروی از خدا و رسول(ص) را، به اطاعت و پیروی از جانشینان معصوم ایشان نیز تعمیم می‌دهد. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (سوره نساء، آیه ۵۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که جانشینان معصوم پیامبرند) اطاعت نمایید. خداوند در این آیه، به لزوم اطاعت از خود، رسول(ص) و دسته سومی که از آن‌ها به اولی الامر یاد کرده فرمان می‌دهد و چنان‌که معلوم است برای این اطاعت هیچ قید و شرطی بیان نکرده است. لذا باید پذیرفت که خواست این دسته نیز منطبق با خواست خداست و منویاتشان بازتاب مشیت الهی است و ایشان نمایندگان خواست اویند. به همین دلیل است که بدون هیچ قید و شرطی باید از آنان فرمان برد، علاوه بر اینکه در این آیه اطاعت ایشان را در ردیف اطاعت از رسول خدا(ص) ذکر کرده و این بیانگر وحدت ملاک و معیار در اطاعت از رسول و اولی الامر است و ضرورت اطاعت از ایشان از باب امر به معروف و نهی از منکر نیست (حکیم، ۱۹۷۹: ۱۵۳/۱).

رسول خدا(ص)، اولی الامر را به امام علی(ع) و فرزندان معصوم ایشان، تفسیر نموده است. جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که وقتی آیه مورد بحث بر رسول خدا(ص) نازل شد، گفتیم: خدا و رسول او را شناختیم. اولی الامر، کسانی که خدا طاعتشان را قرین طاعت شما قرار داده، چه کسانی هستند؟ رسول خدا(ص) فرمود: «هُمُ خُلَفَائِي وَ جَابِرٌ وَ أُمَّةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي، أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ...» (صدوق، ۱۴۱۷: ۲۵۳). ایشان جانشینان من هستند ای جابر و پیشوایان مسلمین بعد از من هستند. اول آن‌ها علی بن ابیطالب سپس حسن و حسین و سپس... لذا مجاهدان باید در



جمع شئون حیات خویش، از جمله در عرصه جهاد فی سبیل الله، نسبت به آموزه‌های مختلف معصومان(ع)، خصوصاً آموزه‌های اخلاقی ایشان، پابندی و التزام عملی داشته باشند.

**۴- اصول اخلاقی جهاد:** با بررسی آموزه‌های قرآن و سنت معصومان(ع)، مهم‌ترین اصول اخلاقی در عرصه جهاد، باید به‌عنوان یک دستورالعمل، سرلوحه عمل مجاهدان فی سبیل الله قرار گیرد، در قالب «اصول اخلاقی فرماندهان»، «اصول اخلاق فردی رزمندگان»، «اصول اخلاق جمعی رزمندگان» و «اصول اخلاقی در مواجهه با دشمن» به شرح ذیل، قابل تقسیم، بررسی و تبیین است.

**۴-۱- اصول اخلاقی فرماندهان:** مهم‌ترین اصول و دستورالعمل‌های اخلاقی که فرماندهان سپاه اسلام در حوزه جهاد، در برابر رزمندگان تحت امر خود باید رعایت نمایند، «مراعات حال نیروها» و «مشورت و اهمیت قائل شدن برای نظر نیروها» است.

**۴-۱-۱- مراعات حال نیروها:** برنامه‌ریزی مناسب برای حرکت نیروها و استراحت آن‌ها، از جمله عواملی است که به حفظ توان رزمندگان، کمک شایانی می‌کند. رزمندگان، انسان هستند و به لحاظ اخلاقی باید به حقوق انسانی و وضعیت روحی ایشان توجه کرد. از این رو باید مراعات حال رزمندگان را نمود و بر آنان سخت‌نگرفت تا مبدا نیروهایشان به سستی گراید و برای مقابله با دشمن، آمادگی خود را از دست بدهند. حضرت امیر(ع) در نامه‌ای می‌نویسد: «... وَ سِرِّ الْبَرْدِیْنِ وَ عَوْرٍ بِالنَّاسِ وَ رَفَهُ فِی السَّیْرِ وَ لَا تَسِیرَ أَوَّلَ اللَّیْلِ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَهُ سَكَنًا وَ قَدْرَهُ مَقَامًا لَا ظَعْنًا فَارْحُ فِیهِ بَدَنَكَ وَ رَوْحَ ظَهْرِكَ فَإِذَا وَقَفْتَ حِینَ یَنْبَطِحُ السَّحْرُ أَوْ حِینَ یَنْفَجِرُ الْفَجْرُ فَسِیرْ عَلَی بَرَکَةِ اللَّهِ...» (نهج البلاغه، نامه ۱۲). در خنکی صبح و عصر، سپاه را حرکت ده، در هوای گرم لشکر را استراحت ده و در پیمودن راه شتاب مکن. در آغاز شب حرکت نکن زیرا خداوند شب را وسیله آرامش قرار داده و آن را برای اقامت کردن، نه کوچ کردن، تعیین فرموده است. پس آسوده باش و مرکب‌ها را آسوده بگذار، آنگاه که سحر آمد و سپیده صبحگاهان آشکار شد، در پناه برکت پروردگار حرکت کن. از این رو فرماندهان سپاه اسلام باید در برنامه‌ریزی و هدایت نیروهای تحت امر، به این اصل، عنایت و التزام عملی داشته باشند.

**۴-۱-۲- مشورت و اهمیت قائل شدن برای نظر نیروها:** یکی دیگر از مهم‌ترین اصول اخلاقی سپاهیان اسلام در عرصه جهاد که قرآن و روایات بسیار بر آن تأکید دارند، لزوم مشورت کردن است. اساساً مشورت به معنای کنار هم نهادن عقول و معاضدت آن‌ها برای رسیدن به رأی است که احتمال اشتباه را به حداقل برساند. اهمیت دیگر این اصل اخلاقی این است که از بسیاری از انحراف‌های اخلاقی همچون خودکامگی و خودرأیی و تکبر جلوگیری می‌کند؛ از همین روست که خداوند متعال به رسول اکرم(ص) دستور می‌دهد که مؤمنان را به مشورت کردن در امور، امر کند.<sup>۱</sup> حضرت امیر(ع) در نامه‌ای به فرماندهان نظامی، مشورت کردن با دیگران را از حقوق واجب فرماندهان می‌داند؛ حضرت

۱- «... وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ...» (سوره شوری، آیه ۳۸)؛ ... و کارشان در میان خودشان به مشاوری برگزار می‌گردد... .



می‌فرماید: «مَنْ عَبَدَ اللَّهَ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى أَصْحَابِ الْمَسَلِحِ أَمَا بَعْدُ... وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أُخْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ وَلَا أُطْوَى دُونَكُمْ أَمْرًا إِلَّا فِي حُكْمٍ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۰)؛ از بنده خدا، علی بن ابی‌طالب، امیر مؤمنان به نیروهای مسلح و مرزداران کشور پس از یاد خدا و درود... آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم... .

یکی از بارزترین ویژگی‌های اخلاقی رسول خدا(ص) در جنگ‌ها مشورت با اصحاب خود در شیوه جنگیدن یا دیگر جزئیات نبرد است. تا جایی که مشهور است که هرگاه پیامبر(ص) اقدامی می‌کرد، یارانش می‌گفتند: اگر این کار دستوری الهی است، ما مخالفتی نداریم، اما اگر نظر شخص پیامبر(ص) بود، اجازه می‌داد آنان اظهار نظر کنند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۳۰؛ واقدی، ۱۴۱۴: ۵۳). محل جنگ بدر که اولین نبرد سنگین مسلمانان با کفار قریش بود، با مشورت خواهی رسول خدا(ص) و اشاره حباب بن منذر انتخاب شد (ابن هشام، ۱۴۱۵: ۶۲۰/۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۳۵۰). درباره دومین نبرد مهم صدر اسلام (جنگ احد) نیز رسول خدا(ص) رأی اصحاب را خواستار شدند. رأی خود حضرت بر آن بود که داخل مدینه بمانند و دفاع کنند، اما وقتی از یارانش مشورت طلبید، جمعی از ایشان گفتند بیرون مدینه با دشمن روبه‌رو شویم. عبدالله بن ابی‌ماندن در شهر را پیشنهاد کرد، اما گروهی از جوانان به خروج از شهر اصرار داشتند تا شاید شهادت نصیبشان شود (واقعی، ۱۴۱۴: ۲۱۰). در نهایت این رأی جوانان مورد قبول واقع شد و حضرت(ص) بدون هیچ‌گونه مخالفتی لباس جنگ پوشید و آماده خروج از شهر شد. اصحاب که متوجه شدند نظر پیامبر(ص) چیز دیگری بوده است، پشیمان شدند و از آن حضرت عذر خواستند، اما ایشان بر تصمیمی که از روی مشورت گرفته بود باقی و محکم ماند (طبری، بی‌تا: ۵۰۳). سومین نبرد مهم مسلمانان با کفار و مشرکان، رویارویی با تمامی احزاب مخالف بود. زمانی که حضرت(ص) از حرکت آنان آگاه شد، باز هم از یارانش نظر خواهی کرد. در این هنگام سلمان فارسی پیشنهاد کردن خندق را داد و برای مسلمانان جالب آمد (ابن سعد، ۱۳۸۷: ۵۱). در همین نبرد بود که به دلیل پیمان‌شکنی یهود داخل مدینه و همدستی با احزاب اوضاع بحرانی شد و مسلمانان از داخل و خارج شهر تهدید می‌شدند. به همین دلیل رسول خدا(ص) به منظور شکستن اتحاد کفار و خارج کردن گروهی از احزاب مخالف از منطقه، خواست با قبیله غطفان وارد مذاکره شود و با دادن بخشی از خرمای مدینه، آنان را راضی کند. این پیشنهاد مطرح شده از سوی رسول خدا(ص)، به رأی گذاشته شد. سعد بن معاذ و سعد بن عباد، با این رأی مخالفت کردند و در نهایت نظر پیامبر(ص) را برگرداندند و ایشان هم از این کار منصرف شد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۴۳۰). لذا با توجه به دستور خداوند متعال در آیات قرآن و بنا بر سیره معصومان(ع)، مشورت و اهمیت قائل شدن برای نظر دیگران، یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی فرماندهان در تعامل با نیروهای تحت امر، در عرصه جهاد است که باید از آن غافل نشد.



۲-۴- اصول اخلاق فردی رزمندگان: در بررسی آیات شریفه قرآن و سنت معصومان(ع)، مهم ترین اصول اخلاق شخصی رزمندگان، «تحمل سختی‌ها و صبر نمودن» و «پرهیز از فرار و ترک پست» است که در بخش ذیل، هر یک از این اصول، مورد تبیین واقع می‌گردد.

۱-۲-۴- تحمل سختی‌ها و صبر نمودن: صبر و تحمل سختی‌هایی که در طی نبرد رخ می‌دهد، یکی از مهم ترین اصول اخلاق فردی مجاهدان است که در آیات و روایات بر آن تأکید شده است. قرآن کریم یکی از نشانه‌های راست‌گویان و متقین را صبر در سختی‌ها و میدان جهاد برمی‌شمرد و می‌فرماید: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ... وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ جِنِّ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (سوره بقره، آیه ۱۷۷)؛ نیکوکاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید (چه این چیز بی‌اثری است)، لیکن نیکوکاری آن است که کسی به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد... و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار صبور و شکیبا باشد(کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند) آن‌ها به حقیقت راست‌گویان و آن‌ها به حقیقت پرهیزکاران‌اند. بر اساس آیه فوق یکی از مصادیق نیکوکاری واقعی، صبر و تحمل مشکلات، از جمله هنگام جهاد فی سبیل الله است و مجاهدان باید در مواجهه با سختی‌ها، به این اصل اهتمام نمایند.

۲-۲-۴- پرهیز از فرار و ترک پست: یکی از اصول اخلاقی سپاهیان اسلام در عرصه جهاد، پرهیز از فرار است. حضرت صادق (ع)، فرار از جنگ و پشت کردن به دشمن را از گناهان کبیره و از مصادیق آیه «إِنْ تَجَنَّبُوا كِبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ...» (سوره نساء، آیه ۳۱) شمرده‌اند. حضرت امیر(ع) در خطبه‌ای، هلاکت را از آن کسی دانسته‌اند که در جنگ سستی کند و به جنگ ادامه ندهد و راه نجات را مخصوص کسانی دانسته‌اند که خود را به میدان جهاد افکنده و به مبارزه ادامه دهد: «...وَ كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَيْكُمْ تَكْشُونَ كَشِيشَ الضَّبَابِ لَا تَأْخُذُونَ حَقًّا وَ لَا تَمْنَعُونَ ضَيْمًا قَدْ خَلَيْتُمْ وَ الطَّرِيقَ فَالْتَّجَاءُ لِلْمُفْتَحِمِ وَ الْهَلَكَةُ لِلْمُتَلَوِّمِ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳)؛... و گویی شما را در برخی از حمله‌ها، در حال فرار، ناله‌کنان چون گله‌ای از سوسمار می‌نگرم که نه حقی را باز پس می‌گیرید و نه ستمی را باز می‌دارید، اینک این شما و این راه گشوده، نجات برای کسی است که خود را به میدان افکنده به مبارزه ادامه دهد و هلاکت از آن کسی است که سستی ورزد... . همچنین امام علی(ع) در نامه به مردم مصر، در سال ۳۸ هجری، آنگاه که مالک اشتر را به فرمانداری آنان برگزید، در توصیف و مدح مالک اشتر، فرموده‌اند: «...فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَ لَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرَّوْعِ...» (نهج البلاغه، نامه ۳۸)؛...من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم، که در روزهای وحشت، نمی‌خوابد و در لحظه‌های ترس از دشمن روی نمی‌گرداند... . در جایی دیگر حضرت در سخنانی در نکوهش فرار از جهاد، می‌فرماید: «...وَ أَيُّمُ اللَّهِ لَئِنْ فَرَرْتُمْ مِنْ سَيْفِ الْعَاجِلَةِ لَا تَسْلَمُوا [تَسْلَمُونَ] مِنْ سَيْفِ الْآخِرَةِ... إِنَّ فِي الْفِرَارِ مَوْجِدَةَ اللَّهِ وَ الدَّلَّ اللَّازِمَ وَ الْعَارَ الْبَاقِيَ وَ إِنَّ الْفَارَّ لَغَيْرُ مَزِيدٍ فِي عُمَرِهِ وَ لَا مَحْجُوزٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ



يَوْمِهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴). به خدا سوگند! اگر از شمشیر دنیا فرار کنید از شمشیر آخرت سالم نمی‌مانید... در فرار از جنگ، خشم و غضب الهی و ذلت همیشگی و ننگ جاویدان قرار دارد، فرار کننده بر عمر خود نمی‌افزاید و بین خود و روز مرگش مانعی ایجاد نخواهد کرد.

۳-۴- اصول اخلاقی جمعی رزمندگان: مهم‌ترین اصول اخلاقی در روابط میان رزمندگان، شامل «نهی از پنهان نمودن سلاح هم‌زمان و ترساندن ایشان»، «کم کردن صحبت‌های بیهوده» و «کمک نمودن افراد قوی به ضعیف» است که در بخش ذیل، هر یک از این اصول، بررسی و تبیین می‌گردد.

۱-۳-۴- نهی از پنهان نمودن سلاح هم‌زمان و ترساندن ایشان: یکی از مهم‌ترین عواملی که در پاسداری موفق از دژهای سپاه اسلام و در عرصه جهاد، مؤثر است، روحیه مناسب رزمندگان است. از این رو هر چیزی که این روحیه را خدشه‌دار کند و به آن آسیب رساند، می‌تواند به‌عنوان عاملی غیراخلاقی شناخته شود. پیامبر اکرم (ص) بر اساس توجه به این اصل، از ترساندن یک رزمنده حتی به‌صورت شوخی، از سوی نیروهای خودی منع فرمود. در جنگ خندق زید بن ثابت از فرط خستگی چشمانش گرم شد و یکی از مسلمانان سلاح او را برداشت. وقتی زید متوجه شد موضوع را به پیامبر (ص) گفت و آن حضرت از کسی که آن را برداشته بود خواست به او برگرداند. آنگاه از چنین مزاحی که پیامدهای جدی دارد و رزمنده‌ای را می‌ترساند، نهی فرمود (واقعی، ۱۴۱۴: ۴۴۸).

۲-۳-۴- کم کردن صحبت‌های بیهوده: پرهیز از کلام بیهوده و لغو و پرداختن به ذکر خدا، از اصول اخلاقی است که در عرصه جهاد و هنگام مواجهه با دشمن، بدان امر شده است. حضرت امیر (ع)، خطاب به اصحابشان فرمودند: «إِذَا لَقَيْتُمْ عَدُوَّكُمْ فِي الْحَرْبِ فَأَقْلُوا الْكَلَامَ وَ اذْكُرُوا اللَّهَ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۵۵؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۴۲)؛ هنگامی که با دشمنان در جنگ روبرو می‌شوید، سخن را کم کنید و ذکر خدا را به‌جای آورید... بر اساس روایات معصومان (ع) کلام بیهوده، از عوامل سستی در عرصه جهاد و پاسداری از دژهای سپاه اسلام، معرفی شده است؛ حضرت امیر (ع) در سال ۳۷ هجری، در جنگ صفین برای تشویق یارانشان به جهاد فرمودند: «...وَأَمِيتُوا الْأَصْوَاتَ فَإِنَّهُ أَطْرَدُ لِلْفِشْلِ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۴)؛...صداها را آهسته و خاموش سازید که سستی را می‌زداید... لذا مجاهدان باید از سخن‌های بیهوده پرهیز نمایند و به یاد پروردگار خویش باشند؛ زیرا صحبت‌های بیهوده از عوامل ضعف و سستی سپاه است.

۳-۳-۴- کمک افراد قوی به ضعیف: در خصوص اصل اخلاقی کمک افراد قوی به ضعیف، امام علی (ع) در جنگ صفین، خطاب به سربازان اسلام فرمود: «وَأَيُّ أَمْرٍ مِنْكُمْ أَحْسَبُ مِنْ نَفْسِهِ رَبَّاطَةً جَاشٍ عِنْدَ اللَّقَاءِ وَ رَأَى مِنْ أَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِهِ فَسَلًّا فَلْيَدْبُ عَنْ أَحْيِهِ بِفَضْلِ نَجْدَتِهِ الَّتِي فَضَّلَ بِهَا عَلَيْهِ كَمَا يَدْبُ عَنْ نَفْسِهِ فَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُ مِثْلَهُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳)؛ هر کدام از شما در صحنه نبرد با دشمن، در خود شجاعت و دلآوری احساس کرد و برادرش را سست و ترسو یافت، به شکرانه این برتری باید از او دفاع کند، آن‌گونه که از خود دفاع می‌کند؛ زیرا اگر خدا بخواهد او را چون شما دلآور و شجاع گرداند... از آنجاکه انسان‌ها در برخورداری از روحیه شجاعت، دارای مراتب گوناگون بوده و



برخی در مرتبه‌ای فراتر و برخی دیگر در مرتبه‌ای فروتر قرار دارند، توصیه امام علی(ع) به لشکریان اسلام این است که در صحنه کارزار اگر سربازی را مشاهده کردند که در برابر دشمن، دچار ضعف و ناتوانی شده و دشمن نیز به نابودی وی طمع بسته است، او را دریابند و از دست دشمن نجات دهند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵۲؛ صدوق، خصال، ۱۳۶۲: ۴۰۷؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۴۲). لذا با توجه به فرمایشات معصومان(ع)، مجاهدان فی سبیل الله باید نسبت به این اصل اخلاقی عرصه جهاد، پایبندی عملی داشته باشند و افراد قوی به ضعیف، در صحنه نبرد کمک نمایند.

**۴-۴- اصول اخلاقی در مواجهه با دشمن:** اصول و دستورالعمل‌های اخلاقی سپاهیان اسلام در عرصه جهاد، هنگام مواجهه با دشمن، شامل: «نهی از قتل سفیر و گروگان» و «پرهیز از دشنام دادن به دشمن» است که در قسمت ذیل، بررسی و تبیین می‌گردند.

**۴-۴-۱- نهی از قتل سفیر و گروگان:** یکی از مهم‌ترین اصول اخلاقی که در روایات بدان امر گردیده، نهی از قتل سفرا و گروگان‌های دشمن است. برخی مواقع، بر سر مسئله‌ای با دشمنان، مذاکراتی رقم می‌خورد و رفت‌وآمد نمایندگانی از طرفین ضروری است. همچنین گاهی پیش از شروع جنگ، برخی از نیروهای دشمن، توسط رزمندگان اسلام گروگان گرفته می‌شوند. اسلام از آزار رساندن و قتل این افراد منع نموده است و در روایات می‌توان این تقبیح را یافت؛ قال رسول الله(ص): «لَا يُقْتَلُ الرَّسُولُ وَ لَا الرَّهْنُ» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۳۲؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۷). قال علی(ع): «عَتَمَ أَبُو دِجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ وَ أَرَخِيَ عَذْبَةَ الْعِمَامَةِ مِنْ خَلْفِهِ بَيْنَ كَتْفَيْهِ، ثُمَّ جَعَلَ يَتَبَخَّرُ بَيْنَ الصَّقِينِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ(ص): إِنَّ هَذِهِ لَمَشِيَّةٌ يَبْغُضُهَا اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا عِنْدَ الْقِتَالِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴؛ راوندی، بی‌تا: ۲۰). منظور از سفیر و پیام‌آور کسی است که مستقیماً از ناحیه دشمن حامل پیغام و نامه است و دارای تابعیت دشمن است، وگرنه کسانی که دارای تابعیت ثالث می‌باشند و به‌عنوان یکی از طرفین نزاع و درگیری محسوب نمی‌شوند، مصونیت این عده، یک امر بدیهی و روشن است. پس هرگاه سفیر و نماینده دشمن، از ناحیه فرمانده نظامی اجازه ورود پیدا کرد و یا حتی در شرایط بحرانی، این عده بخواهند پیامی را برسانند، باید از آسیب جنگ و تعرض مصون باشند. از نظر اسلام مصونیت این افراد به نحو وسیع‌تر و ویژه است؛ به‌عبارت‌دیگر هرگاه این عده، مرتکب خطا و اشتباهی هم شده باشند، باید در حد امکان از اشتباه آنان چشم‌پوشی کرد و از آزار و یا مجازات آن‌ها خودداری نمود. در زمان پیامبر اکرم(ص)، دو نفر به‌عنوان پیک یا نماینده بر آن حضرت وارد شدند. این دو رفتارهای خطاکارانه از خود نشان دادند. پیامبر اکرم(ص) از خطای آنان چشم‌پوشی کرد و فرمود: اگر بنا بود که من قاتل پیک و فرستاده باشم، شما دو نفر را به قتل می‌رساندم. کنایه از این که پیک و سفیر محترم بوده و نمی‌توان آسیب به آنان رساند؛ متن حدیث این است: «لَوْ كُنْتُ قَاتِلًا سَوَّلًا لَضَرَبْتُ عُنُقَكُمَا» (حلی، ۱۳۸۶: ۶۸/۹)؛ اگر بنا بود (جایز بود) کشتن سفیر، به تحقیق گردن شما دو نفر را قطع می‌کردم.





۲-۴-۴- پرهیز از دشنام دادن به دشمن: دین مبین اسلام، پیروانش را از دشنام دادن، اتهام و افتراء به دشمنان و مخالفان منع کرده است. قرآن به‌طور کلی، توصیه می‌فرماید: «...إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا...» (سوره بقره، آیه ۲۳۵). ...به سخن معروف [شایسته] سخن بگوئید... و در فقه شیعه، فحش و سبّ حرام است. امام زین‌العابدین (ع) در دعایی از «صحیفه سجادیه» می‌فرماید: «...وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ أَوْ شَتْمٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ بَاطِلٍ أَوْ اغْتِيَابٍ مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ بِالْحَمْدِ لَكَ...» (صحیفه سجادیه، ۱۰۶)؛ سپاس خدای را [که به من توفیق داد] تا بر زبان من کوچک‌ترین لفظ فحاشی یا سخن ناروا یا شکستن حرمت دیگران یا شهادت باطل یا غیبت مؤمن غایب و یا دشنام حاضر و امثال آن نباشد. پیامبر اسلام (ص) تأکید می‌کند که «لَا تَسُبُّوا أَهْلَ الشُّرْكَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۸۰/۱۵؛ بحرانی، ۱۳۶۱: ۱۵۵/۱۸)؛ اهل شرک را سبّ نکنید. از امام باقر (ع) نقل است که فلسفه منع از دشنام پرهیز از مفسده بزرگ دشمن‌تراشی است. فلذا می‌گوید: «لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۳). دشنام ندهید تا دشمنی عایدتان نشود.

روایات و اخبار متعددی از امام علی (ع) در منع دشنام دادن به دشمن، وارد شده است؛ «روی نصر، عن عبدالله بن شریک، قال: خرج حجر بن عدی و عمرو بن الحمق یظهرا البراءة من اهل الشام، فأرسل علی (ع) الیهما أن کفا عما یبلغنی عنکما فأتیاه فقالا: یا امیرالمؤمنین ألسنا محقین؟ قال: بلی. قالوا فلم منعنا من شتمهم؟ قال: کرهت لکم أن تکونوا لعانین شتّامین، تشتمون وتبرؤن...» (ابن سیار، ۱۳۷۰: ۱۰۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹۹). مولا علی (ع) در جنگ صفین شنیدند که یارانشان شامیان را دشنام می‌دهند، لذا فرمودند: «إِنِّي أُرْكَرُهُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا سَبَّائِينَ...» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۶)؛ من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید... .

با توجه به مطالب مطروحه، مجاهدان اسلامی از دشنام دادن به دشمن، نهی گردیده‌اند. این امر نشان‌دهنده‌ی جایگاه رفیع آموزه‌های اسلام و قداست والای رفتار مجاهدان، در عرصه جهاد فی سبیل الله است که با عمل غیراخلاقی هم چون دشنام دادن به دشمن، سازگاری ندارد.

### نتیجه‌گیری

این تحقیق با عنوان مبانی و اصول اخلاقی سپاهیان اسلام در عرصه جهاد، بر اساس آموزه‌های قرآن و سنت و با هدف پاسخگویی به سؤالات مطرح شده به نتایج زیر دست یافت:

جنگ و نزاع یکی از خشن‌ترین جنبه‌های زندگی بشریت است. به همین دلیل دین اسلام با لحاظ کردن قواعد اخلاقی علاوه بر کاستن از جنبه خشونت جنگ، آن را به امری مقدس تبدیل کرده است. به همین دلیل مسئله جنگ و جهاد در اسلام دارای مبانی و اصول اخلاقی است که این مسئله در منابع آن به‌طور گسترده مشهود است.



مهم‌ترین پیش‌انگاره‌ها و مبانی رعایت اخلاق در جهاد، مبانی انسان‌شناسانه، به معنای نوع نگاه دین اسلام به انسان، مشتمل بر: «نوع نگرش نسبت به دشمن» و «نگرش برادرانه به هم‌زم»؛ مبانی اخلاق مدارانه یا همان نوع نگرش اسلام نسبت به اخلاق، همچون: «فطری بودن گرایش به اخلاق در انسان» و «هدف بودن اخلاق نسبت به بعثت انبیاء(ع)» و مبانی رفتار مدارانه که مجاهدان باید در مقام عمل و رفتار، در شئون مختلف زندگی بدان پایبند باشند، مانند: «توجیه‌ناپذیری وسیله توسط اهداف مقدس» و «فراگیر بودن التزام عملی به سیره معصومان(ع)» است.

بر اساس بررسی آموزه‌های قرآن و سنت معصومان(ع)، مهم‌ترین اصول و ضوابط اخلاقی در عرصه جهاد که باید به‌عنوان یک دستورالعمل، سرلوحه عمل مجاهدان فی سبیل الله قرار گیرد، در قالب اصول اخلاقی فرماندهان، شامل: «مراعات حال نیروها» و «مشورت و اهمیت قائل شدن برای نظر نیروها»، اصول اخلاق فردی رزمندگان، همچون: «تحمل سختی‌ها و صبر نمودن» و «پرهیز از فرار و ترک پُست»، اصول اخلاق جمعی رزمندگان، مانند: «نهی از پنهان نمودن سلاح هم‌زمان و ترساندن ایشان»، «کم کردن صحبت‌های بیهوده» و «کمک نمودن افراد قوی به ضعیف» و اصول اخلاقی در مواجهه با دشمن، مشتمل بر «نهی از قتل سفیر و گروگان» و «پرهیز از دشنام دادن به دشمن» است.

به‌کارگیری مبانی و اصول اخلاقی در جهاد فی سبیل الله و تأکید فراوان بر آن از سوی دین مبین اسلام همگی در جهت تقدس این امر است؛ زیرا هر چیزی که به خداوند منتسب شود باید جنبه رحمانی آن بسیار مشهود و گسترده باشد و لحاظ کردن مبانی و اصول اخلاقی در موضوع جنگ که خونریزی و خشونت در آن فراوان است کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.



## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه: علی مشکینی.
۲. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی.
۳. صحیفه سجادیه، امام زین العابدین (ع)، قم: کتابخانه قرآن و عترت.
۴. ابن ابی الحدید، عبدالحمید (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، تحقیق و تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۵. ابن سعد، محمد (۱۳۸۷)، الطبقات الكبرى، قم: موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان.
۶. ابن سیار، نصر بن مزاحم (۱۳۷۰)، واقعه صفین، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۷. ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، لسان العرب، نسقه و علّق علیه و وضع فهارسه علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. ابن هشام المعافری، عبد الملک (۱۴۱۵)، السیره النبویه (سیره ابن هشام)، تحقیق: سقا، ایباری و شلبی، بیروت: دارالمعرفه.
۹. باقری، خسرو (۱۳۷۹)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چ ۴، تهران: مدرسه.
۱۰. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله (۱۴۱۳)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، تحقیق و تصحیح: محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم: مؤسسه الإمام المهدی (عج).
۱۱. بحرانی، یوسف (۱۳۶۱)، الحدائق الناضره فی فقه العتره الطاهره، تحقیق: محمد تقی ایروانی، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، چ ۲، تهران: اسلامی.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷)، أنساب الأشراف، تحقیق: سهیل زرکلی، بیروت: دارالفکر.
۱۴. پهلوان، منصور و احمدی آشتیانی، فرهاد (۱۳۹۵)، «اخلاق در جهاد از دیدگاه امام علی (ع)»، فصلنامه نهج البلاغه، شماره ۴۹.
۱۵. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۰)، شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگی.



١٦. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩)، وسائل الشیعة الى تحصيل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت.
١٧. حکیم، سید محمدتقی (١٩٧٩)، الاصول العامه للفقہ المقارن، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
١٨. حلّی، حسن بن یوسف (١٣٨٦)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، بی‌جا: قسم الفقہ فی مجمع البحوث الاسلامیه.
١٩. حمیری، عبدالله بن جعفر (١٤١٣)، قرب الإسناد، تحقیق و تصحیح: مؤسسه آل البيت (ع)، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
٢٠. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٣٨٣)، المفردات فی غریب القرآن، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء آثار الجعفریة.
٢١. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی (بی‌تا)، النوادر، تحقیق و تصحیح: احمد صادقی اردستانی، قم: دار الكتاب.
٢٢. رضایی، محمدعلی و همکاران (١٣٨٤)، «مصاحبه علمی: حدیث شناسی؛ قواعد و معیارهای نقد آن»، مجله شیعه شناسی، شماره ١١.
٢٣. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (١٣٦٢)، الخصال الممدوحه و المذمومه، تحقیق و تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
٢٤. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (١٤١٧)، کمال الدین، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسین.
٢٥. طباطبائی، سید محمد حسین (١٤١٧)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ٥، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
٢٦. طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، تاریخ الطبری (تاریخ الامم والملوک)، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث العربی.
٢٧. عابدی نژاد، عطیه (١٣٩٥)، اخلاق جنگ و صلح و مقایسه آن با جهاد اسلامی، قم: بوستان کتاب قم.
٢٨. عجاج خطیب، محمد (١٤٠١)، السنه قبل التدوین، بیروت: دارالفکر.
٢٩. غفاری، علی اکبر (١٣٨٤)، دراسات فی علم الدرايه (تلخیص مقباس الهدایه)، تحقیق: محمدحسن صانعی پور، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و سازمان سمت.



۳۰. فایضی، علی آشتیانی (۱۳۷۵)، **مبانی تربیت و اخلاق اسلامی**، قم: روحانی.
۳۱. فرمهینی فراهانی، محسن و اشرافی، فاطمه (۱۳۹۳)، «**اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه**»، پژوهشنامه علوی، سال پنجم، شماره ۱.
۳۲. فیض کاشانی، محمدمحسن (۱۴۰۶)، **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام امیر المومنین علی(ع).
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، **الکافی**، تحقیق و تصحیح: دارالحدیث، قم: دار الحدیث.
۳۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار**، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۵. مرعی، حسین عبدالله (۱۴۱۷)، **منتهی المقال فی الدرايه و الرجال**، بی‌جا: مؤسسه العروه الوثقی.
۳۶. معارف، مجید (۱۳۹۱)، **تاریخ عمومی حدیث با رویکرد تحلیلی**، ج ۱۲، تهران: کویر.
۳۷. معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ معین**، ج ۴، تهران: پارس نوین.
۳۸. مولوی، محمد (۱۳۹۵)، «**اصول و مبانی اخلاقی سیاست در دیدگاه امام علی(ع)**»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، سال چهارم، شماره ۱۴.
۳۹. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲)، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**، تحقیق: عباس قوچانی، تصحیح: محمد آخوندی، ج ۳، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۰. واحدجوان، وحید (۱۳۸۸)، **تبیین آموزه‌های اخلاقی اسلام پیرامون جنگ و صلح**، تهران: دانشگاه تهران.
۴۱. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۱۴)، **المغازی**، تحقیق: مارسدن جونس، قم: دفتر تبلیغات.